



نگاهی دیگر به داده‌های زبانی و مذهبی ایران معاصر

احسان هوشمند

جمعیت‌شناسی یکی از شعب علوم اجتماعی است که در سده اخیر جایگاه مهمی را در این زمینه به خود اختصاص داده است. سر برآوردن این علم تا حدود زیادی به دنبال نگرانی‌هایی حاصل شد که رشد سریع جمعیت در اروپا به وجود آورد. چرا که بر اثر توسعه بهداشت بسیاری از بیماری‌ها کنترل شد و در نتیجه از سویی زاد و ولد کودکان سالم فزونی یافته و از دیگر سو امید به زندگی رو به گسترش بود. مالتوس، دانشمند انگلیسی به عنوان یکی از بنیانگذاران دانش جمعیت‌شناسی نگران سبقت رشد جمعیت با تصاعد هندسی بر رشد امکانات غذایی بشر با تصاعد حسابی بود. امری که به زعم می‌توانست به فجایع مهمی چون جنگ و قحطی منجر شود.

جمعیت‌شناسی به تدریج از این نگرانی خلاصی یافت و تنها ثبت و ضبط وقایع حیاتی خصوصاً وقایع مهمی چون تولد، ازدواج، طلاق و مرگ را در حوزه کار خویش یافت و سپس در ساختار برنامه ریزی‌های کشورها جای گرفت. هم اکنون در بسیاری از کشورها در سال‌های مختوم به صفر میلادی تمامی احاد جمعیتی مورد سرشماری قرار گرفته و به این ترتیب آمارهای جمعیتی تولید می‌شود.

برخی کاستی‌های سرشماری در ایران

اولین سرشماری رسمی در کشور ما در سال 1335 به احصاء ویژگی‌های جمعیتی پرداخت و از آن به بعد در چهار سر شماری بعدی در سال‌های مختوم به 5 شمسی استمرار داشته است. در این سرشماری‌ها که به موجب قانون هر ده سال یک بار توسط مرکز آمار ایران انجام می‌شود آمار و اطلاعات اقتصادی و فرهنگی در کشور، در مقاطع کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در اختیار برنامه‌ریزان، سیاستگذاران و مسئولان کشور قرار می‌گیرد [1]. در این سرشماری‌ها آمارهای دقیقی از جمعیت و پراکندگی آن، ساخت جنسی و سنی، دین، وضع زناشویی، مهاجرت، سواد آموزش، وضع فعالیت، گروه-



IRANWORLDINSTITUTE

های عمده شغلی، گروه‌های عمده فعالیت، نوع خانوار، ترکیب خانوار، واحد مسکونی، تسهیلات خانوار، سوخت مصرفی خانوار و ... گردآوری می‌شود که نهایتاً نتایج آنها در قالب گزارش کشوری، استانی، شهرستانی و موضوعی انتشار می‌یابد.

در پنج سرشماری صورت گرفته در کشور در کنار احصاء شاخص‌های مهم جمعیتی و ارائه آمار مربوطه، برخی آمارهای مرتبط با شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی گردآوری نشده است. یکی از این شاخص‌ها، که البته محل مناقشات جدی است، احصاء ویژگی‌های زبانی و مذهبی شهروندان ایرانی است که در پنج سرشماری قبلی به آن پرداخته نشده است.

عدم دسترسی به آمارهای موثق و دقیق در خصوص شاخص‌های زبانی و مذهبی (و نه دینی) که می‌تواند برای ارزیابی از چند و چون واقعیت‌های قومی در ایران، مبنایی مهم را فراهم کند به حدس و گمان‌ها و ارائه برآوردهایی جمعیتی از این گروه‌های اجتماعی از سوی منابع مختلف صلاحیت‌دار و غیر صلاحیت‌دار منجر شده است که گاه با بزرگنمایی و یا مبالغه‌هایی توأم است. خصوصاً آن که در ارتباط با برخی از گروه‌های زبانی و مذهبی در سده اخیر تلاش‌هایی در جهت سیاسی نمودن قضیه نیز در کار بوده و این امر در دامن زدن به این بزرگنمایی‌ها نقش مهمی ایفا نموده است.

داده‌های دانشگاهی: سهل‌انگاری و سیاست‌ورزی

برندا شافر در کتابی موسوم به ایران و چالش‌های هویتی در آذربایجان از قول شهرزاد مجاب و امیرحسین‌پور بیان می‌کند که از کل جمعیت ایران 20 الی 30 درصد را آذری‌ها و قبایل ترک، 9 درصد کرد، 3 درصد بلوچ، 2/5 درصد عرب، 1/5 درصد ترکمن تشکیل می‌دهند. وی در ادامه با ارجاع به برخی منابع دیگر جمعیت آذری‌های ایران را حتی بیش از رقم اعلام شده قبلی می‌داند. [2] در نمونه‌ای دیگر خانم نیکی کدی محقق ایران‌شناس امریکایی در کتاب ایران و جهان اسلام: مقاومت و انقلاب [3] در مبحث «اقلیت‌های قومی ایرانی» برآوردی از جمعیت گروه‌های زبانی در ایران ارائه کرده است. که بر اساس آن از کل جمعیت ایران حدود 19 درصد آذری، 7 درصد کرد، 3 درصد عرب، 2 درصد بلوچ، 8 درصد مازندرانی و گیلکی، 6 درصد لر و بختیاری، 1 درصد ارمنی و آشوری و 9 درصد سایرین می‌باشند. بر اساس این برآورد 45 درصد مردم به فارسی تکلم می‌کنند. یرواند آبراهامیان در کتاب ایران بین دو انقلاب در برآوردی از ساختار قومی ایران در سال‌های 1229 (1850م) و 1335 (1956م) از کل جمعیت 10 میلیونی ایران در سال 1229 حدود 000.900.2 نفر یعنی 29 درصد را ترک زبان، چهارصد هزار نفر یعنی 4 درصد را عرب- و 3 درصد را نیز غیرمسلمان دانسته است. از نظر او 64 درصد بقیه ایرانیان بلوچ و فارس و کرد و لر و غیره تشکیل می‌دهند. [4]

در مطالعات مرتبط با هر قوم خاص این برآوردهای جمعیتی تغییراتی داشته و بر ابهامات موضوع می‌افزاید. به عنوان نمونه در مطالعاتی که موضوع آن قوم کرد می‌باشد و از منظری «علمی» و یا «قوم‌گرایانه» به بررسی پرداخته‌اند، ارقام ارائه شده از تفاوت‌های فاحشی حکایت دارند. مهرداد ایزدی در کتاب کردها جمعیت کردهای ایران در سال 1990 میلادی 6/6 میلیون نفر یعنی معادل 12/4 درصد از جمعیت 000.600.55 نفری ایران برآورد کرده و در سال 2000 جمعیت ایران را 73/9 میلیون نفر برآورد نموده که براساس محاسبات او 9 میلیون نفر آن یعنی 12/6 درصد کرد می‌باشند. [5] فریده کوهی کمالی هم در کتاب توسعه سیاسی کردهای ایران، که در سال 2003 منتشر شده حداقل و حداکثر جمعیت کردهای ایران از سال‌های 1967 الی 1981 را 000.800.1 نفر تا 5 میلیون نفر برآورد کرده است. [6]



IRANWORLDINSTITUTE

جمعیت کردهای ایران از نظر مارتین برویین سن 6/5 میلیون نفر، [7] از نظر نویسنده کرد عراقی عبدالله غفوری را در سال 1995 حدود 000.864.11 نفر [8]، و در سال 2000 به رقم بسیار عجیب 000.368.13 نفر می-رسد. [9] سید محسن ساری در مطلبی تحت عنوان «کردها، که هستند و به کجا می-روند» منتشره در مجله در سال 1996 میلادی می-نویسد: «تعداد کردهای ایران حدود چهار میلیون تن می-باشد... بخشی از کردهای شیعه مذهب که میان ایران و ترکیه [عراق] و به ویژه در شهرهای کرمانشاه و همدان ساکن هستند بالغ بر 21 میلیون نفر می-باشند.» [10] و در سال 1998 در یک نشریه عربی دیگر به نام الزمان جمعیت کردهای ایران هشت میلیون نفر [11] اعلام کرد. نیکیتین 23 درصد جمعیت ایران در 1945 را کرد می-داند [12] و دبیر کل سابق حزب دموکرات کردستان ایران عبدالرحمن قاسملو هم حدود 17 درصد از ساکنین ایران در سال-های میانی دهه 80 میلادی را کرد می-داند. [13] یکی از جمعیت شناسان ایرانی یعنی دکتر مهدی امانی بررسی-ای با عنوان «کاربرد زبان-های محلی در ایران» از نگاهی دیگر به نتایج دیگری رسیده است. «در سال 1372 سرشماری در میان کسانی که به 8 زبان محلی حرف می-زدند، انجام شد. مجموع افرادی که از این زبان-های محلی استفاده می-کردند 56/7 درصد از کل جمعیت یعنی 000.600.32 نفر بودند ... و از میان این جمعیت 32 میلیون و ششصد هزار نفری حدود 9/7 درصد یعنی 000.162.3 نفر به زبان کردی سخن می-گفتند.» [14]

متأسفانه مشخص نیست که این آمارها بر مبنای کدام مطالعه یا سرشماری نتایج اعلام شده به دست آمده و یا اگر برآوردی صورت می-گیرد بر مبنای کدام شاخص و ارزیابی علمی نتایج احصاء گردیده است. آیا سرشماری به صورت میدانی صورت گرفته است؟ آیا مؤلف خود بر اساس یک فرمول علمی به چنین نتایجی دست یافته؟

ملاحظه می-شود که به دلیل کوتاهی مقامات مسئول در ارائه آمار دقیق در این زمینه که قطعاً از این باور ریشه-دار در ایران سرچشمه می-گیرد که حذف صورت مسئله به معنای حذف خود مسئله است، چنین وضعیت آشفتگی-ای حاصل شده است. عدم احصاء ویژگی-های زبانی و مذهبی در سرشماری-های رسمی و فقدان داده-های مستند در این زمینه برآوردهای جمعیتی از گروه-های زبانی و مذهبی در ایران را با ابهامات فراوانی روبرو کرده و راه را بر هر گونه اظهارنظر غیرمسئولانه و غیرعلمی گشوده است. با توجه به این کمبودها از یک سو و لزوم در دست داشتن معیاری جهت ارائه داده-هایی حتی-الامکان دقیق در این زمینه، یکی از پرسش-هایی که مطرح می-شود آن است که از چه مآخذی در این زمینه می-توان استفاده کرد. فرهنگ جغرافیایی ایران که در فاصله سال-های 1327 تا 1330 شمسی از سوی اداره جغرافیایی ارتش ایران منتشر شد، یکی از معدود مآخذی است که تا حدودی می-تواند در این زمینه راهگشا باشد. فرهنگ جغرافیایی ایران بی-گمان تنها مرجعی است که داده-های جمعیتی - قومی آن به صورت میدانی گردآوری شده و لذا آن را می-توان در مطالعات مرتبط با اقوام ایرانی به عنوان یک منبع پایه مورد توجه قرار داد.

فرهنگ جغرافیایی ایران

در این مجموعه که تحت نظارت سرتیپ حسینعلی رزم-آرا تدوین شد علاوه بر جمعیت، اختصاصات مرتبط با دین، مذهب و زبان و برخی ویژگی-های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کلیه نقاط روستایی و تعدادی از شهرهای کوچک ایران احصاء در مجموعه فرهنگ جغرافیایی ایران منتشر گردید. [15] در این یادداشت به جوانبی چند از این مآخذ که به ندرت از سوی محققین و پژوهشگران مطالعات ایرانی و قوم-شناسان مورد استفاده قرار گرفته است، اشاره می-شود.



IRANWORLDINSTITUTE

در این پروژه پژوهشی یعنی فرهنگ جغرافیایی ایران نام کلیه نقاط مسکونی - جمعیتی اعم از روستایی و شهرهای استان-های یازده-گانه کشور در سال-های پایانی دهه بیست به صورت تفکیکی ارائه و جمعیت آن واحد (برحسب نفر یا خانوار)، دین و مذهب اهالی، زبان رایج، محصولات عمده و سایر ویژگی-های اجتماعی آنان احصاء شده است.

این پژوهش منحصر به فرد اطلاعات ذی قیمتی را درباره جمعیت روستا-ها، شهرها، استان-ها و کل کشور در آن سال-ها ارائه نموده و در کنار آن به صورت نسبی معرف ویژگی-های زبانی، مذهبی و دینی جامعه ایرانی در آن سال-ها است. داده-هایی که هنوز هم به رغم گذر سال-ها از تاریخ انتشار هنوز نکات مهمی را در خود دارد.

بر اساس بررسی و تحلیل جامع داده-های موجود در این کتاب که امید است نتایج آن به صورت گسترده-تری در آینده نزدیک منتشر شده و در دسترس پژوهشگران قرار گیرد، در خلال در سال-های 1327 تا 1331 جمعیت ایران بالغ بر 944.656.13 بود که علاوه در شهرها، در 402 بخش و 1575 دهستان و 30755 روستا زندگی می-کردند. زبان و مذهب از متغیرهای مهمی است که در این پژوهش اطلاعات آن گردآوری شده است.

جدول شماره 1 بر اساس داده-های موجود در فرهنگ جغرافیایی ایران توزیع زبانی مردم ایران را به تصویر می-کشد. عدم استفاده ابزارهای مکانیکی و آماری در گردآوری این اطلاعات که احتمالاً بیشتر از طریق واحدهای ارتش و ژاندارمری صورت گرفته است موجب شده تا تفکیک کاملاً دقیقی از لهجه-ها و زبان-های رایج در ایران ارائه نشود. این امر به ویژه در نقاطی خود را نشان می-دهد که در آنها چند زبان یا لهجه رواج داشته است. لذا به جز چند مورد محدود در هر گزینه چند گروه زبانی در جدول نمایش داده شده است. به عنوان نمونه فارسی - ترکی، فارسی - لری، فارسی - کردی یا ترکی - لری، ... از دیگر ویژگی-های این داده-ها عدم توجه به برخی از شعب درونی زبان-ها است. مثلاً زبان اورامی در مناطق کردنشین با شعب آن. سوم آنکه چون آموزش علمی لازم به گردآورندگان داده-ها ارائه نشده و احتمالاً از قبل گروه-های زبانی تعریف نشده بودند لذا برخی از گویش-ها و لهجه-های به صورت یک زبان جداگانه ارائه شده است. مثلاً فارسی محلی، تاجیک و یا در برخی موارد زبان و مذهب آمیخته شده است مثل فارسی - حنفی. هر چند این امر در مورد ارمنی-ها و کلدانی-ها و آسوری-ها به جا است. یعنی زبان آنها به نام مذهب آنان شناسایی شده است. این مسئله یعنی تفکیک علمی، جامعه-شناسانه و زبان شناسانه زبان-ها، گویش-ها و لهجه-های رایج در ایران هنوز به درستی در جامعه علمی کشور به جد مورد توجه قرار نگرفته است.

شاید مهمترین پیام جدول شماره یک را بتوان در هم تنیدگی فرهنگی و تاریخی مردم ایران دانست. به دیگر سخن در حالی که تا دهه 1330 هنوز روند مهاجرت گسترده روستائیان به شهرها و شهرهای بزرگ آغاز نشده بود اما با این حال کمتر نقطه مهمی را در ایران پایان دهه 1320 وجود می-توان ملاحظه کرد که لزوماً در برگیرنده یک زبان خاص از میان زبان-های رایج در ایران باشد.



IRANWORLDINSTITUTE

جدول شماره 1- توزیع زبانی جمعیت ایران در سال‌های 1327-1331

زبان	جمعیت	زبان	جمعیت	زبان	جمعیت
فارسی	4199185	فارسی - مازندرانی	610050	فارسی - تاتی	161192
ترکی	2451061	فارسی - گیلکی	604435	ترکمنی	97491
نامشخص	955968	فارسی - کردی	399619	فارسی محلی	92131
فارسی - ترک	877628	فارسی - عربی	286886	گیلکی	64514
فارسی - لری	836378	فارسی - بلوچی	202000		
کردی	692443	فارسی - ترکی - کردی	187464		

این جدول تا گروه‌های کوچکتر جمعیتی و در ادامه ترکیب تلفیقی بخش‌های اول جدول ادامه دارد. برای نمونه به گوشه‌ای از دیگر داده‌های آن اشاره می‌شود.

فارسی - ترکی - تاتی ، ترکی - کردی ، فارسی - لکی ، فارسی - لری - لکی ، ترکی - طالشلی ، طالشلی ، لری ، ارمنی ، فارسی - بختیاری ، عربی ، فارسی - لری - بختیاری ، گیلکی - طالشلی ، فارسی - ترکی - کردی - قوچانی ، فارسی - خلجی ، فارسی محلی - عربی ، کمی فارسی - ترکی ، ترکی - گیلکی ، فارسی - ترکی - لری ، ترکی - لری ، فارسی - کردی - لکی ، ترکی - تاجیک ، فارسی - ترکی - گیلکی ، فارسی - کردی - گیلکی ، ترکی - کردی - قوچانی ، فارسی - بلوچی ، کلدانی ، فارسی - ترکمنی ، در گروه‌های جمعیتی بین 50 تا 10 نفر ؛ ترکی - کردی - کلدانی ، ترکی - کلدانی ، کردی - لری ، فارسی - ترکی - طالشلی ، فارسی - ترکی - ترکمنی ، فارسی - ارمنی ، ترکمنی - به فارسی آشنا ، تاتی ، فارسی - ترکی - گیلکی - طالشلی ، لری - بختیاری ، فارسی و زبان مخصوص که ریشه آن فارسی است ، مازندرانی ، فارسی - ترکی - گرجی ، فارسی - گیلکی - طالشلی ، فارسی - گرجی ، فارسی - تاجیک ، ترکی - گیلکی - طالشلی ، بلوچی ، فارسی رایجی که فارسی است ریشه آن ، در گروه‌های جمعیتی بین 10 تا 5 هزار نفر ؛ فارسی - سمنانی ، به فارسی آشنا - عربی ، کردی - مختصر عربی ، فارسی - گیلکی - تاتی ، لکی ، فارسی - کردی - کمی بلوچی ، فارسی - طالشلی ، بختیاری ، فارسی - مراغه‌ای ، فارسی - مازندرانی ، ترکی - ارمنی ، فارسی قدیم ، فارسی - کردی - گیلکی ، ترکی - تاتی ، فارسی - ارمنی ، لری - عربی ، گرجی ، فارسی - ترکی ، مازندرانی ، ترکی - لری - گرجی ، فارسی - ترکی ، کردی ، قوچانی ، فارسی - افغانی ، فارسی - حنفی ، فارسی و فرس قدیم ، ترکی - طالشلی ، خلجی ، گرجی - لری ، گیلکی - مختصر فارسی و ترکی ، کردی - لکی ، کمی فارسی - کردی - لکی ، فارسی با لهجه مخصوص ، فارسی - کردی - قوچانی ، ترکی - ارمنی ، فارسی - ترکی ، ارمنی ، فارسی - ترکمنی ، تاتی - طالشلی ، فارسی - زبان ویژه ، فارسی - تاتی با لهجه مخصوص ، فارسی - کردی - لکی ، فارسی - ترکمنی ، گیلکی - تاتی ، فارسی - فرس قدیم ، فارسی - کردی - مازندرانی ، کمی فارسی - ترکی - کردی ، در گروه‌های جمعیتی بین 5 تا یک هزار نفر . آخرین نمونه ارائه شده در انتهای این جدول که حجم آن اندکی بیش از بخش آورده شده است ، بلوچی - تیموری ، قرار دارد با 40 نفر جمعیت .



IRANWORLDINSTITUTE

کما اینکه در بسیاری نقاط فارسی زبان و ترک زبان، فارسی زبان و عرب، فارسی زبان و بختیاری، ترک و لر، کرد و لر، ترک و طالش و ... در کنار هم زندگی کرده و تفکیک آنان از یکدیگر در آن روزگار میسر نبوده است. ضمن آن که در بسیاری نقاط در کنار زبان‌های کردی، ترکی، گرجی و ترکمنی و ... عده‌ای نیز به فارسی سخن می‌گفته‌اند. و شاید این ویژگی نیز یکی از نمودهای تساهل و تسامح فرهنگ ایرانی باشد. نظری به جدول شماره یک نشان می‌دهد که اکثریت جامعه ایرانی به زبان فارسی با گویش‌ها و لهجه‌های متعدد آن سخن گفته و یا با آن آشنا بوده‌اند. پس از آن زبان ترکی قرار داشته است.

همچنین در بررسی پراکندگی مذهبی و دینی در ایران که در جدول شماره 2 منعکس شده است بر طبق یافته‌های فرهنگ جغرافیایی ایران اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران را پیروان اسلام و مذهب شیعه تشکیل داده‌اند. اگر چه گروه‌های مذهبی دیگر هم چون سنی‌ها با شعب شافعی و حنفی، مسیحیان، ارمنی و کلدانی ارمنی‌ها، اهل حق و علی‌الهی‌ها، اسماعیلیه (یکی از شعب شیعه)، و ... نیز گزارش شده‌اند.

جدول شماره 2 - توزیع جمعیت ایرانیان براساس دین و مذهب در 1327-1331

645	سنی سادات	سکنه	مذهب	سکنه	مذهب
871	زردشتی	5000	اهل حق	11398892	شیعه
سکنه	مذهب	4268	شیعه - کلیمی	9341184	نامشخص
600	شیعه - آشوری - سنی	2442	شیعه - حنفی - سنی	838190	سنی
492	آشوری	2400	شیعه - سنی - کلیمی	229814	شیعه - سنی
470	آشوری - ارمنی	2120	شیعه - اهل حق	67420	شیعه - حنفی
400	مسلمان اهل حق	1910	سنی شافعی	39289	مسیحی
358	شیعه - مسیحی	1553	مسیحی - کمی مسلمان	32618	مسلمان
299	عیسوی	1476	شیعه - ارمنی	21255	شیعه - مسیحی
194	سنی - آشوری	1454	شیعه - بهایی	9222	شیعه - سادات
141	علی‌الهی	1407	مسلمان - کمی مسیحی	8970	شیعه - سنی - مسیحی
127	از طایفه اسماعیلیه	1300	سنی - سادات	8832	علی‌الهی
110	سنی - مسیحی	1291	شیعه - آشوری	7970	شیعه - صوفی
96	حنفی	1228	ارمنی	7038	شیعه - یهودی
70	در آمار جز حاجی آباد علیا منظور شده [؟]	1160	شیعه - سنی - مسیحی - کلیمی	6157	شیعه - مسلمان
47	ارمنی - کمی مسلمان	1053	کمی شیعه - سنی	5969	شیعه - زرتشتی
20	بهائی	900	شیعه - سنی - ارمنی	5272	شیعه - علی‌الهی



نتیجه-گیری

آمار گردآوری شده توسط دایره جغرافیایی ارتش در مجموعه ده جلدی فرهنگ جغرافیایی ایران اگرچه جایگزین یک-سرشماری جامع و دقیق نیست ولی با توجه به فقدان چنان آماری از جهاتی یک-گزارش ممتاز از اختصاصات جمعیتی ایران قبل از سرشماری سال 1335 می-باشد. از سویی جمعیت ایران در سال-های پایانی دهه 1320 تفاوت قابل-فهمی با جمعیت سال 1335 را نشان می-دهد. حدود 14 میلیون نفر جمعیت با حدود 99 درصد مسلمان دقت این-اطلاعات را نشان می-دهد. امروزه هم سرشماری-های عمومی این نسبت مسلمان را تایید می-کند. [16] از اینرو سایر داده-های این مجموعه، از جمله برآوردهای مربوط به تنوع زبانی و مذهبی ایرانیان را نیز می-توان در یک برآورد تطبیقی با در نظر داشتن عواملی چون میزان رشد جمعیت به صورتی جدی مورد توجه قرارداد.

اما برخی کاستی-های این پژوهش را نیز نباید از نظر دور داشت. عدم مراجعه به خانوار و ثبت داده-های فردی، همانگونه که در سرشماری-های کلاسیک تأکید می-شود، برخی گزاره-های حیاتی مورد نیاز را از دسترس دور داشته است. این وضعیت همچنین موجب تمایز ناپذیری برخی ویژگی-های احصاء شده همچون مذهب و زبان شده است. یعنی در موارد متعددی منطقه-ای مثلاً کرد و فارس؛ و یا ترک و فارس اعلام شده و معلوم نیست چه مقدار ترک یا فارس؛ و یا کرد و یا فارس هستند. و از همه مهمتر آن که در این بررسی وضعیت جمعیتی برخی مناطق - از جمله شهرهای مهم و اصلی کشور - احصاء نشده است. [17]



IRANWORLDINSTITUTE

یادداشت-ها:

1. مرکز آمار ایران 1376، سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1375، نتایج تفصیلی کل کشور: یک

[2] . Shaffere Brenda, Borders and Brethren, Iran and the Challenge of Azerbaijani Identity, 2002, BCSTA Studies in inter national Security: 221-225.

[3] . Iran and the Muslim World: Resistance and Revolution; 134-5

4. در تقسیم‌بندی گروه‌زبانی و مذهبی ایرانی در این کتاب آبراهامیان اشتباهات مهمی خصوصاً در تقسیم‌بندی ساختار قومی ایرانیان به مقوله‌هایی چون «ایرانی» و «غیرایرانی» ملاحظه می‌شود که نباید از آن غافل بود.

[5]. Izady. Mehrdad, The kurds: A Concise Handbook, 1992, USA Taylor and Francis: 116-20

[6] . Koohi-Kamali, Farideh, The Political Development of the Kurds in Iran, 2003, USA, Palgrave Macmillan: 27

7 . برویین سن، مارتین، با این رسوایی چه بخشایشی، ابراهیم یونسی، پائیز: ص22

8 . غه فور، عه بدوللا، جوگرافیای کوردستان، 2000، ص 149

9 . همان



IRANWORLDINSTITUTE

- 10 . ساری، سید محسن، «کردها که هستند و به کجا می-روند»، انگلستان، المجله، عربی 28 سپتامبر 1996
- 11 . الاهوازی، منصور، «پس از ترکیه، کردها در دستورالعمل سیاسی در ایران»، الزمان، عربی، انگلستان، 29 دسامبر 1998
- 12 . نیکیتین، واسیلی، کرد و کردستان، ترجمه محمد قاضی، ص 55
- 13 . قاسملو، عبدالرحمن، چل سال خبات له پیناوی ئازادی، به رگی یکم 1985، ص 10
- 14 . امانی، مهدی، کاربرد زبان-های محلی در ایران»، نشریه علمی و پژوهشی نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، شماره 12 پاییز و زمستان 1377: 45-6
- 15 . رزم-آرا، سرتیپ-حسینعلی، فرهنگ-جغرافیایی ایران، جلد 1 الی 10، 1327-13300، انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش
- 16 . مرکز آمار ایران 1376، سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1375، نتایج تفصیلی کل کشور: یک
- 17 . در پاره-ای از بررسی-های بعدی مانند کتاب راهنمای ایران (انتشارات دایره جغرافیایی ارتش 1331)، در رفع پاره-ای از این کاستی-ها اقدام شده است ولی آمار ارائه شده در این کتاب کلی-تر از آن هستند که این نقیصه را جبران کنند.